گزارش

ماجرای خیانت

۱۰ خدمت منافقین به صدام در جنگ تحمیلی

جنگ تحمیلی با تهاجم سنگین و سراسری ارتش بعثی عراق به ایران در ۳۱ شهریور۱۳۵۹ آغاز شد. آنچه در کنار جریانات مربوط به این جنگ برای هر انسان آزاده‌ای جالب توجه می‌نماید، حضور گروهک منافقین به‌عنوان ستون پنجم ارتش عراق در خاک این کشور است. تاریخ هیچ‌گاه همراهی گروهک منافقین با دشمنان این مرز و بوم را در زمانی که دشمن به مرزهای ما هجوم آورده بود، فراموش نخواهد کرد.

عناصر این گروهک تروریستی با حضور در خاک عراق و به‌عنوان یکی از ارکان ارتش این کشور فعالیت‌های تخریبی متعددی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به انجام رساندند. عمده این اقدامات از جاسوسی در خط مقدم جبهه‌ها و تخلیه تلفنی گرفته تا ایجاد رعب و وحشت در داخل کشور با انجام عملیات تروریستی و حضور نظامی و رویارویی مستقیم با رزمندگان ایرانی توأم بود. این گروهک تروریستی در قالب ارائه خدمات خود به رژیم بعث عراق حتی آمار بمباران‌های شهرهای ایران و میزان تلفات و تخریب‌های انجام‌شده را منعکس می‌کرد و با ایجاد فضای روانی و شایعه‌پردازی سعی در تضعیف و تخریب پشت جبهه نیروهای ایرانی داشت. خدمات اعضای این سازمان برای رژیم بعث عراق آنقدر ارزش داشت که شخص صدام حسین رئیس‌جمهور عراق شخصا با مسعود رجوی در این خصوص دیدار و گفت‌وگو و مقامات بلندپایه ارتش عراق را به همه‌گونه همکاری با این گروهک ملزم می‌کرد.

به این ترتیب خدمات منافقین خیانت‌پیشه به صدام را می‌توان به دو دسته پنهان و آشکار تقسیم‌بندی کرد. جاسوسی از مواضع نظامی نیروهای مسلح ایران در جبهه‌ها، شنود و تخلیه تلفنی، بازجویی از اسرای جنگی و ایجاد فضای روانی علیه شرایط جنگی کشور و مواردی از این دست را می‌توان به‌عنوان اقدامات پنهان گروهک تروریستی منافقین در راستای همراهی با رژیم بعث صدام قلمداد کرد.

اما این گروهک تروریستی به‌خاطر عمق خباثت خود نسبت به دولت و ملت ایران همزمان با اقدامات پنهان، به‌تدریج و از نیمه‌های جنگ تحمیلی به‌صورت آشکار و عیان در چندین حوزه، علیه نیروهای رزمنده ایرانی اقداماتی انجام داد. مهم‌ترین این موارد که می‌توان در این گفتار کوتاه به آن اشاره کرد، عبارتند از:

۱- انجام عملیات‌های کلاسیک با نام و عنوان سازمان مجاهدین خلق (هرچند پشتیبانی و حمایت رژیم بعثی عراق در این عملیات‌ها انکارناپذیر است). از جمله این عملیات‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: **عملیات آفتاب**: درساعات اولیه بامداد ۸ فروردین ۱۳۶۷ در منطقه مرزی فکّه، از سوی ارتش عراق و نیروهای سازمان، عملیاتی صورت گرفت که به‌گفته منافقین با شرکت ۱۵ تیپ رزمی و در منطقه وسیعی شروع شد. هدف منافقین از این عملیات، انهدام لشکر ۷۷ خراسان بود و چند تیپ مکانیزه ارتش عراق نقش اصلی را ایفا می‌کردند. نیروهای منافقین پس از پیشروی ارتش بعثی در خط پدافندی ارتش ایران، تمام سنگرها و استحکامات موجود را به‌آتش کشیدند و اعلامیه‌های خود را توزیع کردند؛ اما این پیشروی چندان طول نکشید و حوالی ساعت ۱۳، منافقین از خاک ایران تا پشت خط پدافندی رژیم بعثی عقب‌نشینی کردند. مسعود رجوی در پایان عملیات آفتاب پیامی صادر کرد و این عملیات را هدیه نوروزی برای ملت ایران خواند! هدیه‌ای مشترک با ارتش صدام؛ چراکه توپخانه ارتش عراق به‌خصوص هنگام آتش تهیه و خمپاره باران شدید مواضع نیروهای ایرانی نقش بزرگی را ایفا کرده بود. به‌عبارت دیگر، کشته شدن فرزندان و سربازان این مرز و بوم هدیه نوروزی خائن ملت برای مردم بود!

ب: **عملیات چلچراغ (مهران)**: منافقین و سران رژیم بعث عراق که سرمست پیروزی در عملیات آفتاب بودند، پس از حدود سه ماه در ۲۸خرداد ۱۳۶۷ یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های مشترک خود را به‌منظور تصرف شهر مهران به انجام رساندند. پس از پیروزی چند ساعته منافقین در ۸ فروردین ۱۳۶۷، صدام کمک‌های نظامی فراوانی را به پادگان اشرف سرازیر کرده بود و این گروهک تروریستی در عملیات چلچراغ بسیار مجهزتر از عملیات آفتاب ظاهر شد.

عملیات چلچراغ به‌سان آفتاب از ابتدای شب و با آتش سنگین توپخانه ارتش عراق آغاز شد؛ به‌طوری که شهر خالی از سکنه مهران رابه‌طور کامل ویران ساخت. منافقین خائن و مزدور، شهری را به تصرف خود درآورده بودند که از مدت‌ها قبل خالی از سکنه بوده و این‌گونه وانمود کردند که فتح عظیمی نصیب آنها شده است. منافقین پس از ورود به شهر با دعوت از خبرگزاری‌های خارجی دست به راه‌اندازی یک برنامه بزرگ تبلیغاتی زدند و سرکرده این گروهک تروریستی پس از عملیات، مدعی شد که وقتی در یک عملیات، شهری تصرف می‌شود، بنابراین دسترسی به تهران مشکل نخواهد بود. از این رو شعار «امروز مهران، فردا تهران» را سر دادند؛ حال آنکه بیچارگان نمی‌دانستند کمتر از دو ماه دیگر بساط ارتش نفاق توسط ملت و فرزندان آن در هم پیچیده خواهد شد.

ج: **عملیات فروغ جاویدان**: عملیات فروغ جاویدان پس از مقدمات آماده‌شده توسط عراق با حمله گسترده به مرزهای غربی کشور در ۳۱ تیر۱۳۶۷ و بمباران پایگاه‌های نیروی هوایی غرب کشور، بمباران هوایی و توپخانه شهرهای نواحی مرزی ایران توسط ارتش عراق و درنهایت تهاجم گسترده به مرزهای جنوبی برای منحرف کردن اذهان از تهاجم منافقین به غرب آغاز شد. گروهک تروریستی منافقین نیز بر اساس تحلیل و برداشت خود و با مغتنم دانستن فرصت پیش‌آمده، در ۳ مرداد ۱۳۶۷ عملیات خود موسوم به فروغ جاویدان را آغاز کرد و تا حوالی کرمانشاه پیش رفت.

> مسعود رجوی در پایان عملیات آفتاب پیامی صادر کرد و این عملیات را هدیه نوروزی برای ملت ایران خواند! هدیه‌ای مشترک با ارتش صدام؛ چراکه توپخانه ارتش عراق به‌خصوص هنگام آتش تهیه و خمپاره باران شدید مواضع نیروهای ایرانی نقش بزرگی را ایفا کرده بود. به‌عبارت دیگر، کشته شدن فرزندان و سربازان این مرز و بوم هدیه نوروزی خائن ملت برای مردم بود

مرحله سرنوشت‌ساز عملیات فروغ جاویدان در صبح روز چهارشنبه ۵ مرداد ۱۳۶۷ توسط نیروهای جمهوری اسلامی با عملیات مرصاد و با رمز «یا علی بن ابی‌طالب(ع)» آغاز شد. در این عملیات سه گردان از تیپ نبی‌اکرم(ص)، تیپ مسلم و یک گردان از ایلام به سمت اسلام‌آباد غرب حمله و نیروهای لشکر ۲۷ محمد رسول الله(ص) نیز از سه‌راهی غرب اسلام‌آباد تلفات زیادی بر آنها وارد کردند. بنابراین رجوی پس از تحمل تلفات فراوان، ناامیدانه و دست از پا درازتر از پشت بیسیم‌ها و رادیو، فرمان «حفظ خود» و عقب‌نشینی نیروها به خاک عراق را اعلام کرد. شکست مفتضحانه عملیات فروغ جاویدان، پایان بخش عملیات نظامی «ارتش آزادی‌بخش» منافقین بود.

۲- **عملیات‌های گردانی**: انجام عملیات‌های ایذایی تحت عنوان عملیات‌های گردانی که طی آن تعدادی از نیروهای مسلح منافقین با حمایت تسلیحاتی و لجستیکی ارتش عراق به مواضع نیروهای ایرانی هجوم آورده و بلافاصله اقدام به ترک محل و درگیری می‌کردند. به‌دنبال عزیمت مسعود رجوی از پاریس به بغداد، شیوه جنگ‌ها که پیش از این پارتیزانی در کردستان و جنگ چریک شهری در شهرهای ایران بود، به شکل جنگ‌های گردانی در مناطق مرزی با ارتش و سپاه پاسداران ایران سازماندهی شد. با آغاز عملیات گردانی که تکامل جنگ‌های چریکی و پارتیزانی نام‌گذاری شد، استراتژی جنگ آزادی‌بخش در آذر ۱۳۶۵ پا گرفت. در این راستا چون این استراتژی درنهایت به سود طرف عراقی تمام می‌شد، سیل آموزش‌های نظامی، کمک‌های مادی، تسلیحاتی، پشتیبانی، لجستیکی، اطلاعاتی و سلاح‌های عراقی به سمت گروهک منافقین سرازیر شد.

ارتش آزادی‌بخش کار خود را با تهاجم به واحدهای کوچک و دسته‌های سپاه و ارتش و ژاندارمری شروع کرد. با افزایش نفرات و امکانات سازمان که توسط دولت عراق تامین می‌شد، در عرض چند ماه سوژه‌های بزرگی مورد تهاجم ارتش آزادی‌بخش قرار گرفت. مثلا گردان گیلان تا اوایل سال ۶۷ سه رشته عملیات گردانی در مرز مریوان روی لشکر ۲۸ سنندج و دو رشته عملیات مشترک با گردان‌های مازندران و آذربایجان روی لشکر ۳۰ گرگان و لشکر۶۴ ارومیه در مرز پیرانشهر انجام داد. دیگر گردان‌ها نیز عملیات مشابهی در همین مدت انجام دادند.

۳- **عملیات تپه‌زنی**: طبق استراتژی جدید کار در جبهه، گروهان‌های رزمی تازه تشکیل‌شده منافقین باید کار نظامی خود را (به قول رجوی) از اولین تپه و ارتفاعی که در جبهه‌ها پیش رو دارند، شروع کنند تا با زدن این تپه‌ها آداپتسیون بیشتری برای عملیات‌های بزرگ‌تر کسب کنند. رجوی در این دوره دو هدف را دنبال می‌کرد: اول آمادگی ذهن نفرات برای کار در جبهه‌های عراق و همکاری با آنها، دوم اینکه مسئولان سازمان که خوب می‌دانستند نیروهای کلت به دست جنگ چریک شهری، نمی‌توانند یک دفعه در جنگی کلاسیک شرکت کنند و به این امر نیز واقف بودند که چنین ذهنیتی باعث افت روحیه نیروهای این گروهک می‌شود، با طرح عملیات‌های کوچک در خط مقدم (تپه‌زنی) درصدد روحیه دادن و امکان‌پذیرکردن این عملیات در اذهان رزمندگان برآمدند.

عملیات‌هایی که مجاهدین در آن شرکت داشتند، بعد از ساعت ۱۲ شب انجام می‌شد. شناسایی از حدود سه ماه قبل، از منطقه مدنظر به‌عمل می‌آمد و از حدود ۲۰ روز قبل از عملیات، عراقی‌ها شروع به تقویت نیرو در نقطه مدنظر می‌کردند و تانک‌ها و توپ‌ها و انواع سلاح‌های سنگین در آنجا مستقر می‌شد. در شب موعود و دو ساعت قبل از زمان حمله، نیروهای منافقین در منطقه عملیاتی حاضر می‌شدند. آنها به‌طور معمول مجهز به سلاح‌های سبک از قبیل تفنگ کلاشینکف و موشک‌انداز آرپی‌جی و کلت کمری و نارنجک بودند. آتش‌بازی سنگین توسط عراقی‌ها روی مواضع ایرانی‌ها شروع می‌شد. گاهی در این آتش‌بازی تا بیش از ۵۰۰ قبضه توپ به‌علاوه چند قبضه کاتیوشا و... به‌کار گرفته می‌شد. آنگاه منافقین به‌سرعت به سنگرهای نیروهای ایرانی ریخته و درحالی که رزمندگان ایرانی انتظار مواجهه با هم‌وطنان خود را نداشتند یا هدف گلوله قرار گرفته یا دستگیر می‌شدند. بیشترین هدف منافقین از چنین عملیاتی، گرفتن هرچه بیشتر اسیر جهت خوراک تبلیغاتی بود.

۴- **منافقین و اسرای جنگی ایران**: از دیگر نتایج همکاری منافقین با رژیم عراق، اجازه عملیات نفوذی و آوردن اسیر و نگهداری و بازجویی آنان بود. هدف اصلی منافقین از این اقدام، تخلیه اطلاعاتی اسرا درخصوص یگان‌های نظامی ایران بود. این اسرا دو دسته بودند؛ دسته‌ای توسط رژیم عراق به اسارت درآمده بودند که در وضعیت بسیار مشقت‌باری زندگی می‌کردند و دسته دوم اسرایی بودند که خود منافقین در جبهه اسیر می‌گرفتند. به اسرایی که از اردوگاه عراق به کمپ اشرف آمده بودند، RD یعنی اسرای داوطلب می‌گفتند و به اسرایی که سازمان در جبهه اسیر کرده بود RP یعنی اسرای پیوسته می‌گفتند. برای افرادی که توسط عملیات منافقین در نواحی مرزی ایران و عراق به اسارت در آمده بودند، سازمان مجاهدین از دولت عراق اجازه گرفته بود که این اسیران را رأسا نگهداری کند. برای این کار دولت عراق زندان‌های بزرگی را در اطراف شهر کرکوک در اختیار سازمان قرار داده بود. یکی از زندان‌ها، زندان دبس (Debec) نام داشت که در آن حدود ۱۲۰۰ اسیر زندانی بودند. آنها اسرا را با وعده‌های دروغین فریب می‌دادند و اگر قبول نمی‌کردند تحت فشار روحی قرار می‌دادند تا در عملیات شرکت کنند. در چنین شرایطی تعدادی از اسرای ایرانی که کمترین شناختی از سازمان مجاهدین خلق نداشتند، برای گریختن از فشارهای طاقت‌فرسای عراقی‌ها فریب وعده‌های منافقین را خوردند.

گفت‌وگو

مدیرعامل موسسه شورای منافع ملی آمریکا:

طبق قوانین آمریکا و اروپا، مجازات همراهی با دشمن در زمان جنگ مرگ است

دکتر فیلیپ جیرالدی، کارشناس سابق مبارزه با تروریسم و اطلاعات نظامی سازمان سیا و مدیرعامل موسسه شورای منافع ملی آمریکا که سابقه اظهارنظر در رسانه‌های مختلف بین‌المللی به‌عنوان تحلیلگر شناخته‌شده مسائل اطلاعاتی و نظامی را دارد، در گفت‌وگویی با سرویس بین‌الملل پایگاه خبری تحلیلی هابیلیان (خانواده شهدای ترور کشور) گروهک تروریستی منافقین را سازمانی تروریستی خواند که با همراهی صدام حسین علیه مردم ایران مرتکب خیانت در زمان جنگ شده است.

این تحلیلگر آمریکایی با اشاره به ماهیت تروریستی گروهک منافقین گفت: «سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با پرداخت پول‌های کلان تعداد زیادی را در دولت آمریکا و رسانه‌های این کشور به فساد مالی کشانده است.» وی در ادامه درباره همراهی منافقین با صدام حسین در جنگ تحمیلی علیه ملت ایران افزود: «مبارزه گروه‌های داخلی با دولت‌ها در جنگ‌های داخلی موضوع عجیب و غریبی به‌حساب نمی‌آید، اما همراهی و همکاری با دشمن خارجی در هنگام جنگ نظامی، پدیده نادری است. این دقیقا همان کاری است که مجاهدین خلق در زمان جنگ عراق با ایران انجام داد.»

این افسر ارشد سابق سازمان اطلاعاتی آمریکا که مدرک دکتری مطالعات تاریخ اروپای خود را از دانشگاه لندن دریافت کرده، در پاسخ به سوالی درباره تعریف خیانت در زمان جنگ و مجازات آن در قوانین آمریکا و اروپا اظهار کرد: «قرار گرفتن در طرف دشمن هنگام جنگ می‌تواند خیانت به‌شمار رود و طبق قانون اساسی ایالات متحده و همچنین قوانین اغلب کشورهای اروپایی مجازات آن مرگ است. خائنانی که در زمان جنگ به دشمن می‌پیوندند همواره در طول تاریخ سرزنش شده‌اند.»

فیلیپ جیرالدی در ادامه درباره ارتباط بین منافقین و تعدادی از اعضای کابینه ترامپ گفت: «ارتباط بین سازمان مجاهدین خلق و جان بولتون، رودی جولیانی و الن چائو به‌وضوح مشخص شده و مبتنی‌بر پول است. این رابطه تا همین الان هم ضربه بزرگی به آمریکا زده و به نفرت مردم ایران از آمریکا دامن زده و ممکن است منجر به یک جنگ غیرضروری شود. مجاهدین خلق تا سال ۲۰۱۳ گروهی تروریستی به‌حساب می‌آمد و اکنون نیز باید دوباره در آن لیست قرار گیرد. این سازمان تاثیر فاسدکننده‌ای بر کابینه ترامپ دارد.»

وی در پایان درباره سرانجام گروهک تروریستی منافقین بیان کرد: «سازمان مجاهدین خلق گروهی تروریستی است که از مارکسیسم الهام گرفته و رهبری مستبدانه‌ای دارد. این سازمان در جوامع اطلاعاتی به کار کردن برای موساد و انجام اقدامات تروریستی در داخل خاک ایران و سایر نقاط معروف است. من معتقدم با مرگ رهبری فعلی این گروه، توان آن تحلیل خواهد رفت؛ اما در حال حاضر با توجه به ظرفیت این گروه در انجام اقداماتی در ایران که می‌تواند منجر به فجایع بدتری شود، تهدید محسوب می‌شود.»

سعید محمدی
پژوهشگر

گروهک منافقین در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، جنگی مسلحانه علیه مردم ایران آغاز کردند؛ اما حقیقتا کسی تصور نمی‌کرد این آغاز خونین که به‌واسطه ناکامی از کسب حمایت مردم کلیدخورده بود، دنباله‌ای آمیخته با خفت خیانت به میهن داشته باشد.

منافقین در اولین سال‌های دهه مظلوم ۶۰، آخرین امیدهای خود را برای رسیدن به قدرت از دست دادند و با استراتژی جنگ شهری و ترور مردم بی‌گناه کوچه‌و خیابان نیز راه به جایی نبردند؛ بنابر این رسما با هم‌پیمانی با دشمن مردم ایران کوشیدند از این طریق راهی برای رسیدن به اهداف خود و انتقام از مردمی بیابند که آنها را حمایت نکردند. این گروهک تروریستی با آغاز هجوم دشمن بعثی به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، با افزایش حملات تروریستی اعم از بمب‌گذاری‌ها و ترورهای مردم بی‌گناه در نقاط مختلف کشور سعی در تضعیف نیروهای نظامی ایران در جبهه‌های جنگ تحمیلی داشت.

یکی از فعالیت‌های منافقین در داخل کشور که تاثیر بسزایی در روحیه رزمندگان در خط مقدم جبهه‌ها داشت حادثه انفجار دفتر نخست‌وزیری بود. این جنایت که چندی پس از ترور ۷۲ تن از نمایندگان ملت در دفتر حزب جمهوری اتفاق افتاده بود، موجی از شادی را در جبهه دشمن بعثی به‌راه انداخت و در پی آن عناصر نفوذی منافقین سعی داشتند روحیه رزمندگان را تضعیف کنند.

پس از حوادث هفتم‌تیر و هشتم‌شهریور ۱۳۶۰، مسعود رجوی سرکرده منافقین به همراه رئیس‌جمهور مخلوع کشور در هفتم مرداد همان سال به فرانسه گریختند و در پاریس، شورای ملی مقاومت را با حضور چند گروه معاند نظام جمهوری اسلامی تشکیل دادند. در این زمان نیروهای عملیاتی این گروهک تروریستی به‌تدریج به‌سمت مرزهای غربی کشور پناه برده و در کردستان عراق مستقر شدند. در همین اثنا بود که مسعود رجوی برای عادی‌سازی روابط با رژیم بعث عراق در تاریخ ۱۹دی ۱۳۶۱ با معاون نخست‌وزیر عراق در پاریس دیدار و بیانیه صلحی را با او امضا کرد. اما بسیاری از معاندان جمهوری اسلامی نظیر بنی‌صدر هم نتوانستند ننگ هم‌پیمانی با دشمن بعثی را تحمل کنند و در سال ۱۳۶۲ از این شورا خارج شدند.

منافقین و ستون‌پنجمی صدام

جنایت‌های این گروهک علیه هم‌وطنانش زبانزد فرماندهان عراقی شد. منافقین با شکنجه اسرا، آزار خانواده رزمنده‌ها، تلاش مضاعف برای خالی‌ماندن جبهه‌ها، عملیات علیه جمهوری اسلامی، ماموریت‌های سفارشی از جانب صدام همچون بمب‌گذاری نمازجمعه و ده‌ها خیانت دیگر در کنار ترورهای کور در داخل کشور به دنبال جلب اعتماد صدام بودند. منافقین با استفاده از نیروهای نفوذی خود در بدنه نظام و حتی جبهه‌های جنگ، چندین عملیات رزمندگان اسلام را به ارتش بعثی لو دادند. عملیات رجایی و باهنر در ۱۱ شهریور ۱۳۶۰ و به‌منظور تکمیل اهداف عملیات شهید چمران و آزادسازی کامل شمال کرخه‌کور به‌همت سپاه پاسداران، ارتش و گروه جنگ‌های نامنظم آغاز شد؛ اما با لورفتن عملیات توسط ستون پنجم منافقین بسیاری از رزمندگان به‌شهادت رسیدند و تمام اهداف آن حاصل نشد. عملیات والفجر مقدماتی با رمز یاالله در محور فکه‌چزابه در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۶۱، نمونه دیگری از عملیات‌هایی است که می‌توان نقش ستون‌پنجمی منافقین در به‌شکست انجامیدن و تلفات سنگین نیروهای ایرانی را از دید. کربلای۴ نیز عملیاتی بزرگ و مهندسی‌شده بود که در چهار دی۱۳۶۵، بعد از عملیات والفجر۸ و با هدف تصرف ابوالخصیب و محاصره نیروهای مستقر در شبه‌جزیره فاو با رمز یامحمد(ص) آغاز شد. مردم منتظر یک عملیات پیروزمندانه و پایان جنگ بودند. آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در خاطرات خود می‌گوید: «سال ۶۵ را به سال سرنوشت جنگ نامگذاری کرده و این عملیات را عملیات سرنوشت می‌خواندند که در صورت پیروزی، ایران می‌توانست از راه دیپلماسی به جنگ پایان داده و صدام را ساقط نماید.» اما خائنان ملت این عملیات را نیز ماهرانه لو دادند و دشمن بعثی بسیاری از رزمندگان اسلام را شهید و مجروح کردند و جنگ عملا ادامه یافت. مجموعه این اقدامات به‌تدریج چهره منافقین را نزد مردم ایران کریه‌تر و نزد صدام و بعثیون عزیزتر کرد.

بمب منافقین یا بمباران صدام؟

مسعود رجوی که برادری خود را به صدام ثابت کرده بود برای جلب اعتماد بیشتر، نیروهای خود را عازم ماموریت‌های سفارشی می‌کرد. در۲۴ اسفند ۱۳۶۳ دولت عراق که پس از گذشت چند سال تهاجم به کشور ایران به هیچ‌یک از اهدافش نرسیده و همراهی سایر کشورهای ابرقدرت با او کاری از پیش نبرده بود، تصمیم گرفت با ایجاد رعب و وحشت میان مردم و بمباران نمازجمعه تهران صحنه جنگ را به‌نفع خود تغییر دهد. درحقیقت او که اصابت موشک‌های دوربرد ایران به شهرهای کرکوک و بغداد را انفجار بمب توصیف کرده بود، قصد داشت با هماهنگی با عوامل گروهک منافقین، بمبی را در صفوف نمازجمعه دانشگاه تهران منفجر کند و همزمان با آن، هواپیمایش را در ارتفاع بالا به حریم هوایی تهران اعزام و ادعا کند که صدای انفجار، ناشی از بمباران تهران بوده است؛ اما با تاخیر در ورود هواپیمای عراقی به آسمان تهران و انفجار بمب نیم‌ساعت قبل از آمدن هواپیماها، این توطئه تبلیغاتی با شکست مواجه شد و هواپیماهای عراقی نیز با آتش به‌موقع و قدرتمند پدافند هوایی متواری شدند. در این جنایت منافقین، ۱۴ نفر به شهادت رسیده و عده زیادی مجروح شدند.

> مسعود رجوی برای عادی‌سازی روابط با رژیم بعث عراق در تاریخ ۱۹دی۱۳۶۱ با معاون نخست‌وزیر عراق در پاریس دیدار و بیانیه صلحی را با او امضا کرد. اما بسیاری از معاندان جمهوری اسلامی نظیر بنی‌صدر هم نتوانستند ننگ هم‌پیمانی با دشمن بعثی را تحمل کنند و در سال ۱۳۶۲ از این شورا خارج شدند

تضعیف جبهه‌ها

یکی دیگر از اقدامات گروهک منافقین در شهرها، ترور و ایجاد رعب و وحشت با هدف منصرف کردن رزمندگان از حضور در میدان جنگ بود. خائنان ملت سعی داشتند از این رهگذر توان نظامی کشور در خطوط مقدم جبهه را تضعیف کنند و فشار را از روی دشمن بعثی در جبهه بکاهند. عناصر این گروهک تروریستی به سراغ خانواده‌ها یا خود رزمندگان می‌رفتند و آنها را تهدید می‌کردند. منافقین گمان می‌کردند با این اعمال می‌توانند رزمندگان را از حضور در جبهه‌های جنگ باز دارند. آنها علاوه‌بر تهدید خانواده‌ها و ایجاد رعب و وحشت میان آنها در چندین اقدام، رزمندگانی که برای مرخصی به شهر خود آمده بودند یا خانواده‌های آنها را ترور کردند؛ برای مثال منیره سیف، دختری ۲۲ساله بود که به‌علت حضور پدرش در جبهه و فعالیت اعضای خانواده‌اش به‌شهادت رسید. منافقین که از تهدید و ترساندن این خانواده نتیجه‌ای نگرفته بودند شامگاه ۱۲ شهریور ۱۳۶۰، با پرتاب نارنجکی در منزل آنها، منیره را به‌شهادت رساندند. محمدعلی آقارجبی نیز ازجمله رزمندگانی بود که به‌خاطر حضور در جبهه و مقابله با منافقین و دشمن بعثی، مقابل چشمان همسر و فرزندانش در منزلش به‌شهادت رسید.

سردار ناصر گرزین، عضو هیات‌علمی دانشگاه امام‌حسین(ع) و مسئول عملیات سپاه منطقه۳ در دهه ۶۰، درخصوص تلاش‌های منافقین در این راستا می‌گوید: «شما حساب کنید کسی که احساس کند مقابلش دشمن است و از پشت هم او را می‌زنند، برایش خیلی بد است. رزمنده برای شرکت در جنگ به جنوب یا کردستان می‌رفت، اما خانواده‌اش اینجا امنیت نداشتند یا شهرش ناامن بود.»

منافقین در راستای تضعیف جبهه‌ها به‌سود ارتش بعث عراق از هیچ تلاشی فروگذار نبودند، غافل از اینکه اهداف و آرمان‌های الهی این حکومت، مردم را در تصمیم خود راسخ کرده بود و حاضر بودند برای آزادی و اسلام از جان‌شان بگذرند. این جانفشانی به‌حدی بود که بعد از اینکه منافقین، پزشکان را تهدید کردند که به مداوای مجروحان جنگی نپردازند، تعدادی از آنها فعالیت‌های خود را بیشتر کردند. برای مثال شهید دکتر سیدمحمدابراهیم فقیهی پس از این تهدید منافقین، حضورش را در بیمارستان مداوم کرد و ۷۲ ساعت تمام در اتاق عمل به جراحی مجروحان جنگی پرداخت. این کار او باعث شد تهدید منافقین بی‌نتیجه بماند و در نتیجه منافقین آدمکش برای گرفتن انتقام، او را جلوی در منزلش و مقابل چشمان پسر هفت‌ساله‌اش به‌شهادت رساندند.

منافقین؛ بخشی از ماشین جنگی صدام

نقطه عطف همکاری مشترک منافقین با صدام در سال ۱۳۶۵ با انتقال مرکز فرماندهی این گروهک به خاک عراق محقق و گروهک منافقین که تعهد و وفاداری خود را به دشمن بعثی نشان داده بودند، رسما به بخشی از ماشین جنگی صدام تبدیل شدند. گروهک منافقین با پیوستن به عراق در این برهه و با ارتکاب جنایات منحصربه‌فردی علیه مردم ایران، جانی تازه به ارتش بعثی بخشیدند.

همکاری بی‌دریغ منافقین با استخبارات عراق در شکنجه و تخلیه اطلاعاتی اسرای ایرانی برگی دیگر از خوش‌خدمتی منافقین برای صدام بود. عناصر این گروهک تروریستی با حضور در اردوگاه اسرای ایرانی به شکنجه جسمی و روحی اسرا می‌پرداختند. آنها با تغییر مضمون نامه‌های اسرا، سعی داشتند روحیه آنها را تضعیف و موجی از ناامیدی را در اردوگاه‌ها راه بیندازند. توهین به مسئولان نظام جمهوری اسلامی و جسارت به اعتقادات اسرا، گماردن جاسوس میان آنها و... ازجمله این اقدامات بود. اقدامات منافقین علیه اسرای ایرانی، موجبات شادی و لذت دشمن بعثی را فراهم می‌آورد؛ چنان که عبدالرشید عبدالباطن، بازپرس و بازرس گارد ریاست‌جمهوری عراق پس از دستگیری توسط دولت عراق در بازجویی‌های خود به اعمال جنایات و شکنجه‌های غیرانسانی در اردوگاه‌های عراق اعتراف کرد. او درخصوص همکاری ارتش و استخبارات عراق با تشکیلات گروهک تروریستی منافقین در شکنجه اسرای ایرانی گفت: «منافقین بارها در این زمینه با ما همکاری داشتند و یادم می‌آید چندین اسیر ایرانی زیر دست آنها به‌قتل رسیدند. در برخی از این شکنجه‌ها، خشونت منافقین بسیار بیشتر از ما بود. بسیاری از اسرای ایرانی با اعمال شکنجه‌های قرون وسطایی توسط منافقین در اردوگاه‌های شمال عراق در کردستان این کشور به‌شهادت رسیدند و در قبرستان‌های پراکنده در بیابان‌ها و تپه‌های اطراف این استان دفن شدند.» به‌گفته او این فیلم‌ها به دفتر صدام و عدی، پسر بزرگ صدام ارسال می‌شد وآنها از دیدن فیلم‌های شکنجه اسرای ایرانی لذت می‌بردند.

درخصوص فرسایشی‌شدن جنگ تحمیلی، مقالات متعددی نگاشته شده و دلایل و عوامل متعددی برای آن ذکر شده است؛ اما نیم‌نگاهی به خیانت‌های منافقین مزدور در این دوران نشان می‌دهد که این مزدوران مستقیما در تداوم جنگ تحمیلی نقش مستقیم داشتند. تلاش برای تضعیف قوای نظامی ایران، شنودهای تلفنی و لو دادن عملیات‌ها و اقدامات تخریبی و تأذی‌های این گروهک تروریستی قطعا در طولانی‌شدن جنگ تحمیلی موثر بوده است.

نگاه

دلایل نزدیکی سازمان منافقین و رژیم بعث

پیشخدمتی صدام؛ استراتژی یا تاکتیک؟

دکتر سیدمحسن موسوی‌زاده
پژوهشگر

وقتی عراق یک موشک به ایران می‌زد، منافقین پنج دقیقه‌ای گزارش آن را به عراق می‌رساندند که موشک کجا خورده و چند نفر کشته شده‌اند. سازمان منافقین اطلاعات و خط‌مشی و استراتژی‌های مهمی به صدام و نیروهایش می‌داد و آنها را راهنمایی می‌کرد که ایرانی‌ها چطوری ضربه‌پذیر می‌شوند.

این روزها در حالی گروهک تروریستی مجاهدین خلق (منافقین) مدام در فضاهای مجازی، نشریات و میتینگ‌ها مدعی ملی گرایی و دلسوزی برای ایران می‌شوند که مروری بر کارنامه آنها در دوران دفاع مقدس نشان می‌دهد که این سازمان تمام نیروها و ظرفیت خود را در خدمت رژیم بعث قرار داده بود. اما چگونه سازمانی که ادعای وطن گرایی دارد، می‌تواند به جایی برسد که نه‌تنها منافع ملی کشور را نادیده بگیرد بلکه از دشمنی که به خاک کشور تجاوز کرده حمایت کند. سازمان در زمان ورود به عراق سعی کرد نشان دهد این مساله بیشتر از اینکه استراتژی سازمان باشد، تاکتیکی بوده و آنها تلاش می‌کنند از امکاناتی که صدام در اختیار آنها قرار داده برای پیشبرد اهداف خود استفاده کنند. با این حال بررسی مواضع و بنیادهای فکری گروهک منافقین نشان می‌دهد ارتباط سازمان با رژیم بعث فراتر از تاکتیک و جزء استراتژی‌های این سازمان بوده است.

بر این اساس، گرایش‌های سوسیالیستی یکی از اولین نقاط پیوند گروهک منافقین و رژیم بعث عراق بود. گروهک منافقین پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، افراد و گروه‌های مختلف چه در ایران و چه در خارج از کشور را بر اساس نزدیکی به این گروهک به چند گروه تقسیم‌بندی کرده بود. در این تقسیم‌بندی گروه‌های مارکسیستی و التقاطی، قرابت بیشتری به این سازمان داشتند و به نیروهای مذهبی اتهام ارتجاعی زده می‌شد. همین طبقه‌بندی باعث شد سازمان در سال ۱۳۵۹ و با حمله صدام به ایران، این جنگ را ارتجاعی بخواند. در تحلیلی که سازمان در بین اعضای خود ارائه داد، رژیم عراق مترقی‌تر و ضدامپریالیست‌تر از ایران عنوان‌شده و در آخر به اعضا توصیه می‌شد که در جنگ شرکت نکنند.

ماهیت تمامیت‌خواه حزب بعث عراق و منافقین یکی دیگر از مسائلی است که باعث نزدیکی سازمان به صدام شد. حزب بعث در زمان حکومت، چنان اختناقی ایجاد کرده بود که عراقی‌ها حتی در محافل خصوصی جرات نمی‌کردند علیه حکومت حرفی زده یا انتقادی بکنند. از نظر بعثی‌ها، عراقی‌ها در صورتی ارزشمند بودند که مطیع دستورات صدام باشند. صدام، عراقی‌هایی را که به‌عنوان ناراضی می‌شناخت شکنجه می‌کرد و به قتل می‌رساند. گروهک منافقین نیز همین روش‌های تمامیت‌خواه را در بین اعضای خود اجرا می‌کرد. این گروهک با افرادی که حاضر به پذیرش بی‌چون‌وچرای عقاید سازمان نبودند برخورد می‌کرد وحتی اگر به این نتیجه می‌رسیدند که این افراد باعث ایجاد تردید در سایر اعضا می‌شوند، به حذف فیزیکی آنها می‌پرداختند. از نکات مشترک گروهک منافقین و رژیم بعث الگوگیری از شیوه‌های حکومت استالین است. منافقین و صدام با الگوگیری از شیوه استالین بر سیاست ایجاد رعب و وحشت تاکید داشتند.

اعتقاد به این جمله که هدف وسیله را توجیه می‌کند از جمله نقاط مشترک سازمان منافقین و صدام بود. صدام حسین حاضر بود برای رسیدن به اهداف خود، هزاران عراقی را نیز به‌قتل برساند. او در این راه از بمباران شیمیایی حلبچه یا قتل‌عام خانواده‌های معترض به‌صورت گروهی و دسته‌جمعی ابایی نداشت. گروهک منافقین نیز بر اساس همین اعتقاد بود که در خیابان‌ها دست به ترور افراد بی‌گناه می‌زد یا با به آتش کشیدن خانه‌های طرفداران انقلاب و به شهادت‌رساندن زن و بچه آنها سعی می‌کرد تا به قول خود هزینه انقلابی بودن را بالا ببرد.

تلاش برای از بین‌بردن روحیه دینی یکی از وجوه گروهک منافقین و حزب بعث بود. حزب بعث در تمام دوران زمامداری خود سعی کرد تمام مراکز دینی و مذهبی را تحت سلطه خود قرار دهد و روحیه دینی مردم عراق را تضعیف کند. گروهک منافقین نیز با پذیرش ایدئولوژی التقاطی و زدن برچسب ارتجاعی به مذهبی‌ها، فقط قرائتی را از دین قبول داشت که اعضا را به حامیان بی‌چون‌وچرای رجوی تبدیل کند. حزب بعث و منافقین هر دو از دین فقط پوسته آن را می‌خواستند.

حذف دسترسی افراد از اطلاعات از دیگر نکات مشترک منافقین و صدام بود. صدام در زمان زمامداری، راه هرگونه کسب اطلاعات و اخبار غیر از مجاری رسمی را روی عراقی‌ها بسته بود. سران گروهک منافقین نیز در پایگاه اشرف به اعضا اجازه نمی‌دادند به‌غیر از روزنامه و اخباری که این گروهک مناسب تشخیص می‌داد به اطلاعات دیگری دسترسی پیدا کنند. استراتژی صدام و منافقین بی‌خبر نگه‌داشتن افراد بود تا از این طریق آنها بی‌چون‌وچرا دستورات‌شان را اجرا کنند.

بر این اساس مروری بر مواضع فکری و روش‌های عملی گروهک منافقین و صدام و حزب بعث نشان می‌دهد که اینها شباهت‌ها و نزدیکی‌های زیادی به یکدیگر داشته‌اند. همین مساله باعث شد تا منافقین بعد از شروع مبارزه مسلحانه با انقلاب اسلامی به دامان صدام حسین بیفتند. از همین رو می‌توان نزدیکی منافقین به صدام را بیشتر از تاکتیک، استراتژی دانست.

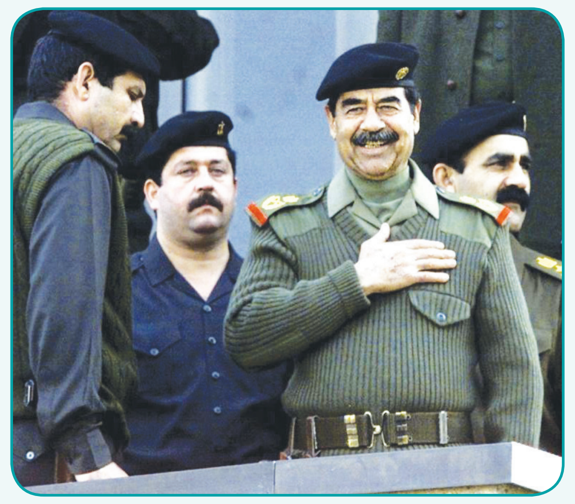

منابع

جعفر شیرعلی‌نیا، تاریخ جنگ ایران و عراق، انتشارات سایان، ص۴۴۴، ۱۳۹۵.
علی‌اکبر راستگو، مجاهدین خلق در آینه تاریخ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص۲۴۲، ۱۳۸۴.

معرفی کتاب

گزارش یک کتاب

«خیانت پیشگان»

«خیانت‌پیشگان» عنوان کتابی است که به مرور عملکرد گروهک تروریستی منافقین در هشت سال دفاع مقدس می‌پردازد. «خیانت‌پیشگان» در ۳ مهر ۱۳۹۷ در نشستی در خبرگزاری «تسنیم» با حضور محمدرضا سرابندی نویسنده کتاب و سیدمحمدجواد هاشمی‌نژاد دبیرکل بنیاد هابیلیان رونمایی شد.

مطالب و محتوای اصلی این کتاب، مشروح مذاکرات عناصر رهبری منافقین با استخبارات عراق است که پس از سقوط رژیم بعث صدام منتشر شد. این اسناد دلیل محکمی بر حضور خائنانه این گروهک در عراق علیه نیروهای ایرانی در هشت سال دفاع مقدس است. این اسناد در کنار دیگر مدارک به‌جامانده از این گروهک تروریستی، شرح مفصلی از یک مدل منحصربه‌فرد خیانت و جنایت در حق بشریت است. این کتاب به‌دنبال تحلیل چرایی حضور منافقین در عراق و برشمردن منافعی است که رژیم صدام حسین از این نوکران خودفروخته داشته است. هر چند منافقین نیز به‌پاس خدمات ارزنده خود به عراق در طول جنگ، پاداش‌های گزافی دریافت کردند اما نگاه تاریخ به آنان همیشه این است که خود را به بیگانگان ارزان فروختند. یکی از مواردی که هیچ‌گاه از حافظه مردم ایران پاک نخواهد شد، همراهی منافقین با رژیم بعثی عراق در طول هشت سال جنگ تحمیلی است که طی آن منافقین دوشادوش دشمنان کشورمان با هم‌وطنان خود جنگیدند و روی فرزندان ایران زمین آتش گشودند. به لطف و عنایت حق، کتاب «خیانت‌پیشگان» حاصل تلاش فرزندان این آب و خاک است. این مجموع مستند، سرنوشت نکبت‌بار خیانت به آب و خاک و ایمان و عقیده را به تصویر کشیده است.

سوژه این کتاب حکایت افرادی است ایرانی که از اوایل جنگ تحمیلی با رفتن به عراق همراه ماشین جنگی صدام حسین در مقابل ایران جنگیدند. سازمان اطلاعات و امنیت عراق بیش از ۲۰ سال با اهداف مشخص اقدام به تصویربرداری و ضبط کاملا مخفیانه از جلسات و روابط خود با سازمان مجاهدین خلق کرده است. قدیمی‌ترین اسناد و فیلم‌ها به سال ۱۳۵۹ و جدیدترین آنها به سال ۱۳۸۱، چهار ماه قبل از سقوط صدام برمی‌گردد. این مجموعه مستند با استفاده از صدها ساعت فیلم به دست آمده از روابط پنهان سازمان مجاهدین خلق ایران و رژیم سرنگون‌شده بعث عراق تهیه شده است. در برگردان این گفت‌وگوها و مذاکرات در قالب کتاب، به‌لحاظ ویژگی منابع نوشتاری تغییراتی در شکل والبته نه در محتوای این مذاکرات داده شده است. همچنین به‌منظور ارائه بهتر مطالب و آشنایی بیشتر خوانندگان با موضوع، از دیگر منابع نیز کمک گرفته شده است.

این مجموعه به مبحث خیانت و جاسوسی سازمان منافقین به‌نفع رژیم بعث عراق و شخص صدام حسین در سال‌های پرتلاطم دفاع مقدس می‌پردازد. درست در شرایطی که رزمندگان اسلام با دست خالی، جان خویش را در راه دفاع از این مرز و بوم و آرمان‌های والای نظام اسلامی فدا می‌کردند، تعدادی مزدور و بازی‌خورده استکبار به بهانه نرسیدن به مطامع دنیوی خود، در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران ایستادند و به‌همراهی با دشمن بعثی پرداختند.

کتاب «خیانت‌پیشگان» در ۲۰ سرفصل ضمن پرداختن مختصر به تاریخچه گروهک منافقین، به تقابل آنان با انقلاب اسلامی پرداخته و زمینه‌های ارتباط منافقین با رژیم بعث عراق را در پیش از آغاز جنگ تحمیلی بیان می‌کند. این کتاب در فصول بعدی با بیان روند حیات سازمان در فرانسه و عراق به نقاط عطف این گروهک در طول هشت سال دفاع مقدس در عراق اشاره کرده و به تفصیل در ارتباط با نحوه انجام فعالیت‌های جاسوسی منافقین و اشکال مختلف آن بحث می‌کند. شکل حیات سیاسی و اقتصادی منافقین در عراق و پایگاه‌های آنان و همچنین روابط درون‌سازمانی این گروهک از بخش‌های جالب این اثر است که مطالعه آن به همه خوانندگان و محققان تاریخ معاصر پیشنهاد می‌شود. نحوه تقابل منافقین با اسرای جنگی ایرانی در عراق و همچنین چگونگی وقوع عملیات مرصاد از دیگر مطالب مطرح شده در این کتاب است. در این اثر سعی‌شده تمامی موارد مستند به اسناد و مدارک معتبر بوده و بیشتر به مطالب و خاطرات منتشرشده از سوی عناصر بریده از سازمان اشاره شود. روش کتابخانه‌ای در جمع‌آوری اطلاعات و همچنین استفاده از آرشیوهای اسناد مختلف که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن وجود داشت، در کنار مصاحبه و مراجعه به تاریخ شفاهی، اثری درخور توجه در این حوزه را باعث شده است. هرچند بنا به ماهیت تروریستی این گروهک و رعایت مسائل امنیتی کار تحقیق و پژوهش درخصوص اقدامات این سازمان مخوف به‌سختی امکان‌پذیر بود، اما با استعانت از حرمت خون پاک شهدای ترور و تلاش وافر در این زمینه، این مهم به انجام رسید و مطالبی درخور شأن پژوهشگران و خوانندگان علاقه‌مند پدید آمد. بنابر همین دلایل شاید بتوان گفت تمامی آثاری که تاکنون در این حوزه به رشته تحریر درآمده‌اند خالی از نقص و اشتباه نباشند، و همین مهم نیز بنیاد هابیلیان و نگارنده را بر این داشت تا با تحقیق و بررسی بیشتر، ضمن برطرف کردن نقایص گذشته، کتابی جامع در این حوزه پدید آورند. اما با توجه به گستردگی این موضوع و همچنین رعایت برخی مسائل خاص در ارتباط با این اثر، نگارنده اذعان می‌دارد که شاید این کتاب نیز کامل و عاری از نقص نباشد؛ اما با عنایت به تجربه‌های پیشین و دغدغه بنیاد هابیلیان مبنی‌بر ارائه یک اثر مستند و علمی، این مجموعه به رشته تحریر درآمد.

بنیاد هابیلیان (خانواده شهدای ترور کشور) امیدوار است با انتشار این اثر ضمن ادای دین به تمامی شهدای ترور کشور به‌ویژه آنان که توسط گروهک منافقین یا به‌واسطه خیانت‌های آنان در جنگ تحمیلی به‌شهادت رسیدند، گامی دیگر در راستای افشای ماهیت پلید و جنایتکار این گروهک تروریستی برداشته باشد. در پایان، وجدان بیدار جامعه بشری و آزادگان جهان خاصه هموطنان عزیز را جهت داوری به خواندن این کتاب دعوت می کنیم.

خیانت پیشگان
مروری بر عملکرد گروهک تروریستی منافقین در جنگ تحمیلی